



امیرجوهری لنگرودی

[amir\\_772@hotmail.com](mailto:amir_772@hotmail.com)

نظربه اینکه باردیگرمردم در بیش از ۱۵۰ و اندی شهر به خیابان آمده و آنرا از آن خود کرده اند. نظربه اینکه خیابان باردیگردد برابر کلیت نظام اسلامی، سپر سیاست و زمینه تغییر از پائین تعریف می گردد. جای دارد که حول آن تمرکز ویژه ای داشته باشیم

تبلور شعار پر طنین « زن- زندگی- آزادی» که بدل به راهبرد مبارزه عظیم توده جوانان جامعه ما شده، تنها در کف خیابان و خیابان را به سنگر بدل ساختن، خود را به نمایش می گذارند. همانطور که توده زحمتکشانش مطالبه گر، پیشتر فریاد میزدند: « تنها کف خیابون / به دست میاد حقمون »!

می بینیم که عظمت توده های به پا خاسته و تحت ستم را که بر علیه شکاف طبقاتی حاد درون جامعه، نبودن آزادی یه نشانه گزاری علیه حاکمیت ارتجاعی و مرد سالار رژیم اسلامی، چه به لحاظ ساختاری و چه از لحاظ محتوای قیام و خیزش گر جامعه ما به سنگر اصلی رودر رویی بدل کرده و جامعه ی تغییر پذیر، فارغ از هرگونه ستم ساختار شکنانه خود را به پیشواز تغییر می برد. راه باز می کند و چون بلدزری خروشان فرو می افکند و به جلو میبیرد. جنبش خیابان و فراوری مبارزه در آن را باز شناسیم و بدان چشم بدوزیم!

امروز همچون دیروز، خیابان است که انحصار رودر رویی در پهنه سیاست و مقابله با استبداد حاکم و همه ی عمله نظام و قوای سرکوب آن قد علم کرده است در خیابان ماندن همه ی قدرت توفنده ی دختران و پسران و دیگر نیروهای اجتماعی، در برابر نظام پوسیده ی اسلامی و فروریزاندن آنها بریستر خواسته ها و مطالبات بی واسطه ی مردم یعنی آزادی و رهایی و دیگر خواسته ها تعریف می گردد. طی هیجده روز، هیجده هزار قدم به جلو آمده ایم.



این تحول غیر قابل پیش بینی با قتل حکومتی و ضد انسانی #مهسا\_امینی دختر جوان سقزی ما از کردستان آغاز به یکباره همچون آواری سهمگین بر نظام پوسیده اسلامی فرود آمد و از استانی به استانی و از شهری به دیگر شهر و نقاط متعدد کلان شهر تهران و دانشگاههای سراسر کشور را به جلوه ی زنده ی زندگی بدل کرد - از یاد نبریم که حاکمیت مرگ اندیش در دوره ی کرونا، روزانه مرگ بیش از صد ها را نفر را با ممنوعیت واردات واکسن و آموزش مراقبت های بهداشتی گرفت و کشور را به گورستان تبدیل کرده بود - خشم فرو خفته ی توده جوانان با آتش کشیدن ماشین ها و موتورهای قوای سرکوب و مراکز امنیتی و دنبال کردن قوای ضد شورش و بسیج در خیابان ها همه و همه جسارت وجودی نسل دهه ی هشتادی ما را به نمایش می گذارد. امروز خیابان هم عرصه ی سیاست، در مفهوم رویارویی، و هم

محکمه‌ی مسئولیت کیفری فردی در قبال جنایت علیه بشریت است. این خیابان است که سیاست کنونی و آتی را در مصاف دیروز و امروز باید به امر تغییر پیوند زند!

از اینرو این خیابان است که سیاست کنونی و آتی را در مصاف دیروز و امروز باید به امر تغییر بکشاند! اما آیا صرف خیابان آمدن و ماندن و بدون سلاح اندیشگی و داشتن اطاق فکری درخور برای پیشروی، در برابر سلاح خون چکان حاکمیت کافی است؟! باید به ظرفیت مقاومت نسلی ببیندیم که پس از دی ماه ۹۶ خود را از توهمات گذشته رها ساخته، و پیگیر شعار پایان دوره‌ی اصلاح طلبی و اصول گرایی و علیه کلیت حکومت جهل و جنون و جنایت است. از اینرو امروز در پهنه‌ی خیابان‌های ایران، شعار می‌دهند:



نه روسری ، نه توسری / آزادی و برابری!  
این آخرین پیامه / هدف خود نظامه

برما است که برای درهم شکستن تهاجم قوای سرکوب ، امروز با قدرتی تمامتر ، بر فقدان سازمان یافتگی شهری - محلی و سراسری چیره شویم و با تشکیل « کمیته های محله ها » به سامان یابی و کمک های لازم اقدام ورزیم! آنچه در درگیری های موضعی کنونی میان نیروهای سرکوب و مردم در شهرهای مختلف، می تواند از نظر حفظ پیوند میان شکل های مختلف مبارزه موثر و نقش آفرین باشد وجود کمیته های مستقل مقاومت در مناطق و محلات است تا از این طریق حداقل گامی در مسیر پایان دادن به کمبود « سازمان یافتگی محلی و سراسری » برداشته شود.

یاری رسانی به خانواده های دستگیر شده گان، سازماندهی خدمات و پوشش های لازم برای پناه دادن به فراریان، زخمی ها ، برنامه ریزی برای حرکت های اعتراضی موضعی با هدف پراکنده سازی نیروهای سرکوب، سازماندهی خبر رسانی در سطح محلی به روش های مقتضی در شرایط قطع اینترنت، سازماندهی کمک های فوری در سطح محله های شهری و رفع نیازهای عاجل از طریق همکاری و همیاری، یاری رسانی در سطح منطقه ای با کمیته های دیگر محله ها در هماهنگ سازی اعتراضات شبانه، شناسایی و افشای سرکوبگران و منزوی کردن آنها در میان مردم، شعار نویسی در خیابان و مناطق مختلف شهر و روستا و تهیه بنر و دست نوشته و غیره، تجلیل از جانباختگان خیزش اعتراضی و سازماندهی مراسم بزرگداشت آنان ، برخی از وظایف مبرم و پیشروی این کمیته هاست.

مبارزه برحق و آینده ساز مردمان جامعه‌ی ما، آنجا تجلی می یابد که در برابر گلوله باران قوای سرکوب به ناگزیر از سنگ بهره می گیرند و خیابان را می بندند و لاستیک آتش میزنند، سنگر می سازند و به شکل های گوناگون و شگفت آور، دست به ابتکارهای ویژه ای میزنند که نشان از خردمندی و باور به عمل خویش دارند. نظام منحوس اسلامی که خود را جانبدار جنیش " انتفاضه " فلسطین که فرزندان با سنگ در برابر اشغالگران اسرائیل می ایستند. همواره مشروعیت مقاومت و دفاع آنان را علم و عثمان می کنند تا خود را طرفدار فلسطین جا بزنند، چگونه است همین مقاومت و پایداری فرزندان ایران در برابر سلاح سرد قوای سرکوب که از زمین و هوا بررویشان نشانه می رود را به حضور «اشرار» در کف خیابان یاد می کنند؟ با این دیدگاه بیمار و معیوب، خامنه‌ای قوای سرکوب خود را برای درهم شکستن مقاومت مردم توجیه می کند، تهدید می کنند، می کشند و از درون خانه‌هایشان می ربایند و دستگیر و روانه‌ی بازداشتگاه‌ها می سازند.



خیابانها را نباید پس داد؛ چرا که برای جمهوری اسلامی تنها و یگانه راه ، سرکوب و سرکوب - به گلوله بستن ، بازداشت شبانه و دزدانه فرزندان مردم جامعه ما باقی مانده است و نه غیر!

امروز یگانه راه اینکه؛ خودمان را سازمان دهیم و متشکل عمل نماییم . راه سازمانیابی و متشکل نمودن توده عظیم جوانان ، با کشاندن جنبش خیابان با دیگر کنشگران اجتماعی و به جان آمده سراسر کشور که از وجود این نظام ناپهنگام و قعر تاریخ برآمده در رنج اند ، پیوند برقرار کرده و راههای تازه و نو را بیازمایند. هرچند که نشانه هایی از شکل گیری این نوع کمیته های محله محور، را در سطحی از مبارزه درون جامعه شاهدیم ، امید آنکه عمق بیشتری یابد و در استمرار مبارزه بتواند با دیگر گروههای مطالبه گر جامعه پیوند یافته تا بتواند به جنبش سراسری و اعتصاب های عمق یافته تری فرا رود !

حاکمیت اسلامی هنوز و در همه جای کشور، ساندیس خورها ، زنجبیر و قمه بدستان بسیجی را به میدان نیاورده اند بلکه در آب نمک برای لحظات موعود، خوابانده است . حاصل کلام آنکه؛ ما برای بودن و ماندن در خیابان، باید خودمان را سازمان دهیم و متشکل بسازیم. از همه تجارب تاکنونی بهره گیریم و با زنجیره ارتباطات محله به محله و شناسایی همه عوامل سرکوب در محلات اعم از بسیج و سپاه و کمیته مستقر در محلات، قوای سرکوب امام جمعه ها ، انجمن های سرکوبگر اسلامی ، قوای متشکل خود را در محلات به خیابان بکشانیم و با حمله و گریز، به هر چه فرسوده تر شدن این نیروهای سرکوب بیافزاییم .

ما باید با سازماندهی جنبشی در محلات به فلج سازی نیروهای سرکوب، در تقابل با کلیت حاکمیت اسلامی خود را برای دست یابی به « زن - زندگی - آزادی » ، « شادی - رفاه - آبادی » ، بسان یک نیروی عظیم اجتماعی در صحنه رقابت ها بدل به آلترنیو قدرتمند مبارزات طبقاتی کنیم. اینبار نباید با از دست دادن سنگر خیابان و نوعی عقب نشینی، فرصت به صاحبان قدرت دهیم تا نتوانند به بازسازی نیروی فرسوده خود بپردازند و اعتراضات و مبارزات واقعی مان را دچار وقفه کنند !

در امر سازماندهی محلات ما نباید همه قوای آماده و سازمانگر خود را به پیش صحنه بکشانیم و نیروی خود را به شکل لخت و عور در برابر قوای سرکوب و عمه خون آشام حاکم به سردست ببریم. برای اینکه بیشتر و قدرتمند تر در خیابان بمانیم، باید خود را سازمان دهیم . ما تنها با سازمانیافتگی هر چه بیشتری توانیم، از حق ماندن، زیستن و داشتن زندگی بهتر تا سرحد وصول آزادی، برابری و رهایی همگانی، در مقابل زنجیرهای اسارت و بندگی، شجاعانه دفاع نماییم! تجربه ها به ما آموخته است که ما می توانیم چنین کنیم، چنین باد!!